جلسه بزرگ هر سه موضع ۲۷ اردیبهشت با حضور ۱۰ عضو مرکز شورا در شروع جلسه ۱۰/۰۸ صبح

شیرازی دکتر:

۱- بهروز: در روز گذشته در رابطه با بزنه و تقاطع شهر - در رابطه با بزنه هر جلسه یا کمیته برنامه تردد داشته که طرح شهر طرح ساخت را
دیگر شهر دست رفته است و در دست اجرا است.
ارشاد نظر در رابطه گذشته - همین طور که در رابطه با خوب برای شهر در رابطه با گذشته پرداخت - آمده است وقت بیشتر بدهید.
اینکه ۸-۹ با گذشته پیوند می‌کرده با خوب بتوانیم -
موردی هم بعد از عموم مشترک با خوب تقاضای از رفتن از تقاضای جلسه فوق العاده کرده‌اند - ولی اشکال: مقررات بخواهد آورد،
تقاضای جلسه امری انتخابی است و از رفتن تشکیل جلسه سری حکمت را به در نظر بگیرند - ولی باید شکر عمل کردن ایجاد اشکال نکند.
با این حال می‌توانیم برگزار شود.

رحیمی: من یک تذکر داشتم نوشتم به رجا ارائه دادم - در مورد جلسه هر سه تذکر داشتم.
بیان حاشیه در بازار گذشته و کسی حرف نزده رفته بگوشه و کنار حرف زده و به تشخیص جلسه کمک نکند.
پیشنهاد من این است که تذکرات کتبی و مستند باشد.

۱- صادق: دستور جلسه امروز ترتیب از کمیته تذکر برنامه‌ریزی در رابطه با انبار و ظایف جلسه و تذکر کنترل است.

تذکر برنامه‌ریزی: در جلسه گزارش در مورد رفتن به این تصمیم گرفته شود.
۱- بهمن = در رابطه با سعودت - فرودین و بحث عراق صحبت شود تصمیم گرفته شود.
۱- نقد = در مورد شبه کنترل نیز تصمیم گرفته شود.
رحیمی: پیشنهاد دارم - طرح‌هایی که بسته به رفتن تعداد جلسه بیشتر برای نظر دهیم، شهر شلوغ - آیا شهر - کنترل شهر
۱- جبه: در گزارش ادامه تذکری نوشته بودیم که از رفتن در طرح تذکر نرفته بعد انجام شد و رفتن تذکر ندادند ولی بعد انجام شد.
تذکر را ادامه بدهیم.

۱- در مورد انتقال رهبری به افغانستان :

۱- حاجی : در مورد بحث رفتن رهبری به افغانستان صحبت شد تصمیم گیری شود !

۱- کرزی : رفقا ما زمان را از دست دادیم و از دست میدهیم - افغانستان هر لحظه بغرنج شدن اوضاع بدتر هم میتواند برود و بعید است که
دست ما را هم در تبلیغ مردم و رسانه ها رفتن به خواهد گذاشت و البته در رابطه با افغانستان اوضاع خاصی است یا تصور نشود که یک کاری و دیگر
کیفیت کیفی وجود آید من قطعاً میدانم که تا وقتی رفتن شوروی آنجا هست
همین دلیل که رفقا هم بسی بدون خانواده بهتر یک ساعت ۸ ، ۹ منتقل شویم به افغانستان و از نزدیک کسی هم برده شوند که مستقیماً در رابطه با
هم بسی ارتباط دارند .
مشکل رفتن به غرب بیش از اینها مشکلتر است و میتوان از آنجا هم رفت .
مشکل بیشتر است و اگر وقت را از دست بدهیم خیلی بهتر است .
اگر ما ارتباطی را بعد از سر تعیین میتوانیم سازمان دهی کنیم . امکانات بسیار زیاد است . شرایط آنجا برای ما بسیار مناسب است .

۱- کبیر : مهم این شده برای وضع سیاسی است - تجربه پیشرفت اوضاع و مجموعه ها نشان داد که نمیتوان زیاد بر روی کمک در افغانستان مطمئن بود .
رفتن وقتی طبیعی است - شما استقرار در جای خاص است و برای تهیه شده است . در رابطه با رابطه بخش دست است
و ما هم برای سود دارد باید در نظر گرفت - هزاران که رفتن برای تصمیم اگر فقط تصمیم بیشتر کرد - این هم اگر کار شود در حقیقت
باز کنیم - من زیاد مطمئن نیستم که تصمیم ما درست باشد .
و ما اگر در مرز تشکیلات بهتر انجام میدهیم هر لحظه میتوانیم مشاوره برود اگر کسی - برگردد .

۱- تقی : از وقتی اینجا آمدیم اولاً اتفاق نکردیم یک شرایط را اتفاق کرد - وقتی شما مرتب محدود باشیم - هیچ تصمیم نگرفتیم اینجا داشتیم
بمانیم - امروز بعد از چند سال تا یک اراده پیدا کنیم - اعتماد و اعتماد و تشکیلات قادر به رهبری شویم - بعنوان رهبری مسئولانه -
نکته اهم در رابطه با وضع شهر و کشور بایست موجودیت سازمان را حفظ کنیم و برای آن باید پیاده کنیم داشته باشیم تا بتوانیم به پیش برویم
در شرایط کنونی که تکبر نیروها و درگیری تشکیلات که اشکالات عمده ای بوجود آمده - تجمع هر بسی در این شهرها نمی کند
تصمیم واضح تا کنون موجودیت سازمان را جذب و دوران حفظ کنیم - شاید راه های نیروی برای استقرار پیدا کنیم .
قبول دارم خانواده ها در اینجا باشند و وقتی به آنجا برویم و تصمیم نهایی را بعداً بگیریم . بهتر است که ترک اینجا نباشد .

۱- رحیم: کلاً مشارکت مطلع است انتقال دانش و رهبری از اینجا به آن مطلع است که از جایی مختلف معنی خاصی خواهد داشت.
آنها هم که بروند و مسائل در دوران بحران شکل بگیرند آنها نیز مسائل این جریان پیش خواهد رفت.
حقیقت این است که افغانستان برای رادیو — بیشتر از اینجاست و ما راه حل کلیت کلیه رهبری ما است.
و این زمینه کمک خیلی ترتیبی فراهم کرد که افغان ارتباطات در افغانستان با فرهنگ غرب وارد شد - کانال ارتباطی ما
بطور مشخص افت خواهد کرد - نسبت به اینجا. من تردید دارم که بتوان بطور منظم ارتباط یکدیگر با اروپا را تأمین نمود.
مسئله مالی نیز مسئله جدی است.
بهترین راه این است که افغان ارتباطات امروزی را بهبود بخشید. اگر افغانستان قرار بود صد درصد موافق بود با افغانستان برویم
نکته دیگر وضعیت خود افغانستان است - در مجموع برای استوار رهبری و همکرد که هنوز مساعد نیست - قطعاً مسائل سیاسی جاری
افغانستان در روابط او با افغانستان تأثیر خواهد گذاشت.
صحیح است که ما هنوز از نظر استوار رهبری در کشور پیشرفت نکرده ولی از نظر اینکه در افغانستان افغانستان بزرگی وجود دارد جدی است
و باید از این افغانستان استفاده نمایم.
مسئله استوار رهبری در داخل و پیدا کردن اشکال صحیح رهبری در خارج مسائل اساسی است.
نکته دیگر اینکه در سیستم ما روانشناسی آمریز از اینجا وجود دارد و مهاجر اهمیت است و در نتیجه کمک این انتقال از این زاویه
صورت نمی‌گیرد خواهد بود.

۲- کوزکهه: رفقا در ارتباط مشخص اوضاع یک حالی افغانستان را کمی بازگشت.

۳- لهمن: ۱- رحیم در مورد فواید حضور ما در تاشکند کمی توضیح دهم.

۴- رحیم: مسئله زمان ما در رهبری رادیو در روابط انجام وظایف است هم با عجم - سیاسی و ایدئولوژیک دارد. از نظر شرایط
بتوانیم وظایفمان را در روابط بهتر انجام دهیم.

۵- محبی: سازمان‌های شورای است که زمان و مکان در یک نقش تعیین کننده دارد - ابزار و وسایل و مکان نقش جدی دارد.
پیرامون چارت برای کلیه رهبری کشور تا کید دارند - افغانستان بیشتر تحت کشورهاست - از اینجا بهتر می‌توان داخل را رهبری کرد.
تعجب می‌کنم که رفقا فرمودند از اینجا بهتر می‌توان داخل را رهبری کرد -
امکاناتی که ما داریم، کما بیشتر می‌توان بکار برد - ابزار و وسایل که در اختیار ما است با کیفیت تعریف و وظایفمان برای ما اثرات
که هیچ شبیه به کشورهای نزدیک‌تر شویم.

در اینجا بیان نامه

الان رفقا از عوارض تلاش هستند - من اثرات سیاسی را آنچنان می‌فهمم که هر چه بیشتر در ایران زنده بماند سودمندی بیشتر به یک لشکر واقعی انرژی‌ها زده برابر اضافه میشه. بنابراین رهبری در جای هر هست.

هنوز رهبری پسیو هست - برای سازمان پسیو ماندن در اینجا راحت‌تر است.

ر- بهروز = آیا از اینها بیشتر لکه مرکزی به داخل فرستند؟

ر- بصیر = بعضی‌ها که روزمره نمیشه.

ر- صادق: موضوع انتقال موقت رهبری تکذیب به افغانستان مطرح است - پیشنهاد شخصی است:

این مسئله پیشنهاد در - نوروز است.

ر- حسن: شما ۵ تا ۶ هفته موضوع انتقال رهبری به افغانستان را مطرح کردید - چرا این مسئله مانع دارد؟ یا به این مسئله پیش‌تر نگاه کنید

ر- صادق: من از جمع میپرسم آیا کسی لزوم پیشنهاد انتقال دائم به افغانستان را دارد یا نه؟

ر- حسن: مطابق آئین‌نامه پیشنهاد باید قبلاً مطرح باشد - پیشنهاد وضع انتقال دائم به افغانستان بود - باید جلسه برگزار بگذاریم

ر- نوروز: در همان جلسه تکرار شد که رفقا همان باشند یک امر بودیم - الان نیز مخفی هستند.

ر- صادق: صحبت نوروز درست است - بارها قبلاً صحبت شده که قبل پاسپورت‌ها لازم است مخفی شوند - ولی پیشنهاد در این خصوص آن را مطرح کردم.

تنفس ۱۱/۱۵

ادامه جلسه ۱۱/۴۵

ر- صادق: در شرایط انتقال به افغانستان به یک کیفیت آیین‌نامه کار را حل کرده، هم به دلیل انتقال و تکنیکی ولی فکر نمیکنم صحبت کنم. شما قبل از آیین‌نامه رهبری برای استقرار در افغانستان هم است. اینها یک سنتی عمومی هوا. بهتر است که در مرکز رهبری در افغانستان باشد عمدتر است.

فکر نمیکنم هم بود - هیچ نقطه هم وجود قبل مطرح بود است - اینها نیز هیچ نقطه مطرح است. نظر شخصی را از بحث یک بار آیین استقرار رهبری در افغانستان درک میکرد، هیچ دلیل شخصی میبیاد

نقطه دیگر هم بنظر این سنتی که بار استقرار صحبت میکرد ولی تفاوت از اینجا است استفاده کنم.

من تا جلسه قبل از سنتی استقرار در افغانستان دفاع میکردم اخیراً به اطرافی مصالحی که پیش آمده و مسائل داخلی برادر و صحبت‌هایی که داشتم راجع به آمدن افغانستان اگر سنتی عمومی و کلی باشد - استقرار رهبری علامت سؤال است

در گذشته اینها درست می‌آمد ولی الان شرایط تغییر کرده است و اگر آنها توانسته سامانی را حرکت دهند شرایط زیادی برای ایجاد شود.
اکثر اهل دانش امکانات بیشتر برای درست است که در شرایط اضطرار شده و برای رفتن امکانات جدید به سرعت عمل کنیم چیز آینده نیز مشکل است.
نظم در مورد استقرار شرایط عینی می‌آید. و یا اینکه با رفتن افراد که هر روز هم بیشتر می‌رود و مسائل هم بیشتر می‌رود افغانستان یک از مراکز فعالیت خواهد بود و امکانات بسیار زیادی در افغانستان برای ما خواهد ماند.
مسئله دیگر استقرار در داخل کشور و اروپای غربی است و چشم بسته که همچو چیزی اتفاق درست است یا نه.
در مورد انتقال موقت دولت تمرکزی برای استقرار و تا کنگره آن مطرح باشد. بحث عمل و اجرائی را می‌خواهم بیشتر صحبت کنم تا عمل شود آنها فکر کنم. الان فی‌البداهه این فکر را رد نمی‌کنم.
در ادامه: آن موقعی که مطرح شد شرایط موجود و سوی نظام بود و این بود، آنجائی که بطور عینی اصلی نیاز به پیدا کردن در افغانستان نیرو پیدا کنیم و تا آنجائی که لازم شد روی مستقر شود و اگر لازم شد هر روز باشد.
الان دلایل مختلف گفته شد و اغلب درست بود. آنها را نمی‌کنم که استفاده کرد شاید نمی‌توان کرد. در موضع مناطق نیز درست است تا این نظر قابل را تغییر داده‌ام ولی ذکر جلسه دارم که برای ارزیابی دقیق اینکه نیازهای ما برای گسترش فعالیت اقتصادی چه چیست و از این طریق تصمیم گیری برای رفتن به افغانستان. سامانی دیگر عده شود که نقش را سامان می‌کند برای تصمیم گیری خاصه اصلی شود که به هر اصلی جمع باشد که با زمینه سازگار نخورد. یک چیز برایت که قرار سامانی حدی مطرح است دقیق بررسی کنیم و بطور منطقی با قضیه برخورد کنیم. پاره‌ای از سامانی برای من زیر عنوان سؤال است.
شیخ: دو تا کم الان روی موضوع تصمیم گیری شود.
ر. حبیب: الان مواضع صحبت شد. فشرده‌ای گیری شود.
رحمن: چند تا هم دارم. خیلی خوبی که تصمیم گیری شود که در مورد افغانستان برود. این امکانات که الان داریم بعداً نخواهیم داشت در مورد اقتصاد مشارکت در رفتن افغانستان داشته. من به روی تمرکز و ضابطه بطور کلی نظم. برای کار باید روی مستقر شود. در مورد متناسب با میزان وظایف. در افغانستان نیز باید اضافه شود. علت اینکه اینقدر آمدیم بحران دوم سازمان است تا این سامانی حل نشود. تصمیم درست است که روی مرکز اصلی باشد و با نیرو تقسیم شود و ما در شرایط بحران بسیار دشوار است و علت بحران عدم اعتماد است.

پیشنهاد شده است که

تذکر دیگر: شما از زاویه سازمان دهی طرح شد و یک تذکر نیز عدم تعیین تکلیف تصمیمات بعد جلسه را دچار اشکال می‌کند.

پیشنهاد ر-ایر (۱): بدلیل ناکافی بودن بررسی و سهم کوچک نخبگان از جواب مسئله برای هر بس و عدم توانایی هر بس برای دفاع از این تصمیم، اکثریت قاطع فعلاً از دستور خارج شود.

ج-ی برای تصویب شد
ر-تقی شرکت نکرد.

ر-صادق: هیئت رئیسه الان تصمیم بگیرد که در جلسه‌ی استقرار یکبار دیگر ادامه دهد.

ر-مجید: موضوع جلسه استقرار در جای دیگر بوده است.

ر-صادق: با تذکر ر-مجید در مورد پیشنهاد ر-ایر از دستور خارج شود.

ر-نورمحمد: اگر چیزی داشته تحقیق شود و بطور کلی نتایج تحقیقات آورده شود - تمکن همچو ارزشه است - برای اینکه بطور جدی پیگیری نشده جای سوال است و مسئله که در جلسه دیگر - من دفاع کردم از رفتن به افغانستان - هیچ چیزی از زیر عدسه نگذاشتند و ما برای گرفتن مسائل طرح شده است.

ر-خسرو: در مسائل شفاف و واضح صحبت شود - در مورد رفتن به افغانستان بحث در آن مورد افغانستان سازمان است - در زمینه‌ی تصمیم‌گیری شود.

ر-حسن: برای ما تلاش است همین امروز تصمیم‌گیری انتقال به افغانستان صورت نیست.

ر-کیوان: رفقا طوری برخورد کنند که بتوانیم وجه همکاری بدهیم - تصمیم‌گیری نیست - دعا می‌کنم سازمان به شرایطی برسد که بتوانیم کار داد. آرمان‌هایت را بیرون طرح کنید - اینها مسائل را حل نمی‌کند.

مورد بعدی دستور جلسه: ۲- در مورد برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری و تدارک تصمیم‌گیری:

ص ع منبع ۹ - «انتقال موقت» بشود بجای «انتقال».

ر-ایر: خوش‌بینانه: ...

رحیمی: من در نامه نوشتم که حق بیمه حق خصوصی است - من بعنوان عضو تیم دفاع دارم.

رئیس: من حق میدهم که در مورد مسائل بعضی کمیته مرکزی صحبت کنم و پیشنهاد دهنده نیستم.

رئیس: افراد هر کس اجازه دارند موضوعی را مطرح کنند ولی ما باید اطلاع داشته باشیم که بعنوان رفیق فلان مسئله را مطرح می‌کند یا نام نمی‌کند.

رحیمی: آنجا که حق نوشته شده و وقتی نامه رحیمی را میخوانم بحث دیگر میماند.

رحیمی: همینطور سرودنیست و تبریک خاص از مسئله در میان.

رئیس: من نامه را نوشتم و هیچ نیتی نداشتم.

رحیمی: اینجا دم انیست که من سطح خطا زده کند.

رحیمی: تمام رفقای کمیته مرکزی که اینجا هستند به آنها اجازه کرده تعداد اندک هیچکس نباید تحمل بار بالا را مطرح کند.

رئیس: تعدادی از رفقا مطرح میکردند که برگزاری هر یک را مورد نظر قرار دادیم در پلنوم.

قرار بر این بود

پلنوم کمیته مرکزی جهت اظهار نظر در مورد طرح برنامه - طرح اساسنامه و اساسنامه خط مشی گذشته نحوه انتخاب و انتخاب نمایندگان در کنگره و تصمیم

تاثیر هر کس و قطعنامه در مورد کنگره پیاده شده - تشکیل پلنوم کمیته مرکزی

-۱
-۲
-۳

رحیمی: همانطور که در قرارداد طرح است هر رفیق طالب تشکیل پلنوم کمیته مرکزی بوده و تشریح تشکیل آن یعنی که مطرح کند در دو هدف اول که دیگر ما بحث و تبادل نظر در مورد آن بحث کنیم به این قرار رسیدیم. نظر دیگری نیز در خصوص آن است.

رئیس: من مطرح میکردم این جمع را در زمینه جمع ما پلنوم کمیته نظر شما بدهید ما ده ا - در مورد مسائل و تخلف و غیره داشته باشیم که نظر جمع ما است.

رحیم: در نوشته ایرادی ملحوظ است: اینجا پلنوم که مطرح شده و راه حل برای دفع غیره در سازمان است و اینکه در بیانیه آن وجه خطرات سازمان را آماده میکند - در حالیکه شما در کنار ایجاد صداقت شرایطی است که در هر سازمان قادر به انجام وظایف باشد لذا از نظر من فرمایش حضرت است.

ثانیاً وجه جمع هابز نیز که سطح کلان پلیتی تشکیل شود مستلزم این بود که مردم تصمیم می‌گیرند که دستگاه رهبری را تشکیل دهند و فکر می‌کردم
نکته‌ی قابل توجه از من است. بارها مکرراً استفاده کردم. پلیتی در واقع این بود که از دستگاه رهبری که گذاشتیم داریم. اینجا مستلزم این نیست
و ترتیبی در بررسی نیز وجود دارد که هر مقدمه قضیه را باید با اولویت ویژه حل کرد. بنظرم اگر بحث کنیم مرکزی در دو صفحه قرار دارد که با یکسری
چرایی‌ها و استدلال‌های طبیعی قادر است قابل کند. یعنی پلیتی قادر است این امکان را به وجود آورد. باید به آن توسل جست که مردم را
که در جوامع سطح است ایجاد کند. مقدمه‌ی پلیتی عاجل گذاشته شود که مرکزش را آزادی عمل کرد. هابز و برخی نظریات اختلال طبیعی آن است
که کم هابز از طبیعت رهبر چه طبیعی آن دک کند. سعی کردم در این نوشته‌ام این موضوع را القاء کنم.

صادق: از کجا این حجت قوی و این توان هابز در غلبه بر کجا - زمانی که به هابز نوشت بعد این مسئله را برگشتم که مرکزی که با برابر غلبه بر کجا
اولین فرض است که حکم خارج از دایره بحث قرار گیرد. برای خروج از دایره بحث باید بتوانیم با دو دیدگاه رابطه با سایر دولت‌ها و تشکیل دولت‌ها
شده و خانواده‌ها بلوغ یک مرکز عاجل با حکم وظایف و دستگاه کلیه پیرامونش به آن در عین خارج از نیست این فرض تنها داریم بحث در کجا
امکان‌پذیر است بحث اتمام آزادی هابز و آزادی‌گیری نظریات. آزادی هابز بین دو مرکز پلیتی تشکیل شود خروج جمعی به کجا نیست بلکه راه حل است که
شما برای سازمان‌ها حل خواهد کرد. نهایت کلام این است که پلیتی تشکیل شود و سازمان‌ها را به یک تمام وجهت وظایفی که دارد می‌بیند
از تمام وظایف را تا سرزمین‌ها و ملت‌ها نیز این پیش‌بینی می‌توانیم بحث کنیم ولی رفع وجوب تمام تلاش دارد که وضعیت کجا با مشکل از یکسری نظریات
در اسلام است. لذا برای پیشبرد سازمان‌ها به حد اکثر تلاش کجا برود که یک نیروی قوی در سازمان‌های مشخص را حل کند.
از پلیتی تشکیل شود که بتواند وظایف را انجام کند و آزادی بیشتر از پلیتی هم پلیتی شنیده شود. ۱۵ نیست.
بسته به اسلامی که پلیتی یک مرکزی نقش خواهد شد. خدمه اینکه پلیتی یک مرکزی برای اینکه یک تمام این وظایف عمومی ما را جلو می‌برد؟ ۱۵
مسئله مخصوص ۱ اگر در وضع نوزدهم پلیتی تشکیل داد.

رحیمی: این کتاب‌ها و مطالب مشاوره انجام شده است.

رحیم: تا تفاوت هابز اختلاف یک اندیشه‌ی کوچک است. فقط آن است.

رحیم: راه‌حل برای از طریق اجبار پلیتی یک مرکزی نیست - نه اینکه بتوانیم آن را کرد. قطعاً پلیتی یک مرکزی قوی‌تر از هابز و کثرت قوی‌تر از پلیتی خواهد بود
و فلسفه بهتر و برتر از کثرت نیست. نقش کثرت نیز سازمان را حل نمی‌کند - کثرت نیز حل نمی‌کند. اندیشه‌ی کوچک ندارد ولی راه مارکیت لیبرال است
و هیچ راه دیگری نیست و برای کثرت شما اقتصاد با پلیتی یک مرکزی نیست. حتی با پلیتی که بخواهد کثرت را ایجاد کند؟ آن را مراقبت ولی با پلیتی که
بخواهد فرد و اقتصاد را تشکیل دهد راه برای دشمن نمی‌ماند - درست است که اگر ما رحمت را انجام دهیم و پلیتی نیز تشکیل شود. این نیز راه‌های
غیر از طرح برنامه تقسیم انجام پذیر است ولی طرح برنامه در عرض یک دهه تشکیل شود.
بطور کلی این تشکیل مواقع - در جزئیات کثرت بحث خواهیم کرد. حداقل بگوییم که پلیتی تشکیل شود.

تذکرات پیش بینی شده در ... را به آن جهت که نظر شما را قبول دارم ... پیشنهاد می‌کنم طرح برنامه را مطرح دارم.

رئیس: من به نظر بهتر می‌دانم ... که از وظایف پلنوم و پس از اجرای طرح برنامه کنسل شده در برنامه‌ریزی آتی برای سازمان اقتصاد داده و تنها به برنامه‌ریزی صنعت اکتفا شده از اشتغال عملاً موجود برای استفاده در جهت حل بحران است. شده استفاده دیگر برای تمام نیروی سازمان برای تشریح قانونیت دعوات در سازمان. من مخالف تشکیل جلسات کمیته مرکزی برای بررسی وضع تشکیلات نیستم. صحبت است که سازمان را رهبری کند. چون سازمان صحبت است. اگر اساسنامه کمیته مرکزی اجازه داده در آن صورت آنها می‌ایستیم. آنهایی که اهمیت ندارد عرض کنم. اگر اساسنامه موجب سازمان را قانونی می‌کند به این از موجبات دفاع می‌کنم. پس فکر می‌کنم که پلنوم بحران را حل کند. ~~[illegible]~~

دکتر صالحی: قرار دادن جمع برای رهبری سازمان - تجدید سازمان رهبری برای رفع بحران.

رئیس: تقاضای از رفقا دارم که آن نظرشان این بود که پلنوم تشکیل شود - عمدتاً نیز برای حل شده موجود - و کمیته نیز بحث شد که اگر اعتبار در هیئت نباشد و کمیته مرکزی به هیئت اعتماد نداشته باشد. پلنوم دارای اعتبار است و اگر مرتبه بالاتر کمیته تشکیل شود شکست خواهد گرد و اگر دستورات تبادل که تنها می‌کند لذا شکست بخورد. اگر نظر پلنوم پیروز شود و اصرار دارند لازم است. و یا اصرار است که مادی در دستور باشد که یک ام به کنگره فوق‌العاده سوق شود.

من به دوستان توجه می‌دهم اگر پلنوم را در شهریور قرار دهیم در آن صورت که ستاد پلنوم تشکیل شده است. منظور من این است که جمع اعضا خیلی زیاد است.

۱- بهروز: در رابطه با طرحی که آورده‌اید دارای که در هیچ طرح که قبول داشتم پلنوم به وضعیت کنونی باشد - زیرا اگر وضع بحران سازمان آن چه زیانی را به شهریور گذاشته و ... وظایفی که بر اثر تیر کردید کنگره تا یک ماه دیگر نیز طول بکشد تا بتوانید برای آن اقدام و طبعاً تأثیر خواهد گذاشت در زمان کنگره. طرح ایراد جدی دارد.

۱- مجید: نظرات پیش است یا بگویید ارهای که برای آن تصویب کنیم - از برگزاری کنفرانس و مجمع عمومی تصویب شده را هر دو نیز تا تصویب شده و در واقع یک تم است. این نظر در رابطه با ارگان جدید سازمان تهیه پلنوم نقشه‌ای برای هر دو هم که برای تشریح ارها (داخلی خارجی) - یک تفریح دیگر در رابطه وضع موجود خواهد و یکی از رفقا مقتضی است که در کمیته مرکزی هست نیز نظر که نیز از اتفاق در آن کند.

من فکر می‌کنم حق دعوت پلنوم و یا تفویض هر کس. این سازمان تا کنون تغییر کیفی و دگرگونی پیدا نکرده. جمع شده ما فراتر از هر کس است. بحران خیلی کمتر از تا رابطه تا تشکیل دارند - بگذاشتن پلنوم هر سازمانی را ایجاد می‌کند ذهن و اراده تراکم است. باید یکی از این وضعیت در آورد - و این وضعیت تغییر اساسی نمی‌شود داد. لذا برای این نقشه دعوت پلنوم خطاست.

این فکر اگر بخواهد دعوت کند که اساسی تغییر نمی‌کند و ... در طی اشتباه در سازمان را بیشتر دامن خواهد زد - راه حل دیگر برای کنگره در چارچوب صحبت کنونی هر است - شیوه کار و سبک را به تغییر داد.